

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی شخصیت امام راحل (قدس سره)

چون ایام مصادف با سالگرد ارتحال امام عظیم الشان (رضوان الله تعالی علیه) است لازم می‌دانم چند کلمه‌ای راجع به شخصیت آن رهبر حکیم عرض کنم، گرچه بعد از ارتحال امام مطالب فراوانی در مورد ایشان مطرح شده اما انصاف این است که هر چه زمان می‌گذرد انسان به عظمت وجودی و ابعاد شخصیتی آن بزرگوار بیشتر پی می‌برد. برای استمرار این انقلاب هم حوزه‌های علمیه و هم نسل جدید باید امام را بیشتر بشناسند، مخصوصاً حوزه‌های علمیه.

هدف امام در انقلاب فقط اسلام بود، اینکه می‌گوئیم «فقط»، نه این است که مردم را نفی کنیم، مردم و دیانت آنها هم مطرح بود، اما منظور آن است که ایشان هیچ هدف شخصی نداشت، به هیچ وجه دنبال اینکه خودش یک قدرتی پیدا کند یا روحانیت را به قدرت برساند نبود، اضطراب سبب شد که با نبود نیروهای ارزشی در منصب‌های مهم، روحانیت حضور پیدا کند و الا هدف امام این نبود که حتی روحانیت را بر مسند حکومت بنشاند. امام به فکر اسلام بود آن‌گاه که دید اسلام در حال از بین رفتن است، در مسجد اعظم فریاد سرداد و همه مراجع، علما و مردم را به قیام دعوت کرد و چنین تعبیر نمود که اسلام دارد از بین می‌رود. علمای اسلام به داده اسلام برسید، اسلام از بین رفت.

امام دنبال این بود که اسلام را از آن چارچوب و دید محدودی که همه به او داشتند حتی حوزویان و حتی مدعیان کارشناسی دین، خارج ساخته و حقیقت اسلام را برای بشریت شکوفا کند، ما تا اهداف امام را نشانیم نمی‌توانیم در مورد انقلاب درست قضاوت کنیم، قضاوت روی محورهایی می‌کنیم که هیچ ارتباطی به اهداف امام هم نداشته و بعد نتیجه‌گیری می‌کنیم، امام در صدد معرفی و تحقق ابعاد مختلف اسلام بود. یکی از ابعاد اسلام بیان استقلال و حریت بشر است. استقلال مسلمین شعاری نبود که از کتاب‌های سیاسی بیرون آمده باشد، امام از دل دین استقلال را بیرون آورد. مردم باید مستقل باشند، کفار نباید سلطه بر مسلمین داشته باشند اولاً هر انسانی چه مسلمان و چه غیر مسلمان باید مستقل باشد. ثانیاً کفار نباید بر جامعه مسلمین سلطنت و حکومت داشته باشند، امام دنبال بیان آزادی‌ای بود که اسلام بیان می‌کند نه هر آزادی، نه آن آزادی که غربی‌ها می‌گویند و نتیجه‌اش آن است که ریشه‌ی فرهنگ ملت‌ها و دین سوزانده خواهد شد، شواهد این امر هم فراوان است.

آزادی‌ای که غربی‌ها می‌گویند مساوی با نفی خانواده است، یعنی در یک خانواده جز در یک موارد جزئی هیچ حقی برای پدر، مادر، برادر و نزدیکان نسبت به فرزند وجود ندارد، آزادی در غرب یعنی نفی خانواده، نفی اصالت‌های فرهنگی، نفی حیات، عفت، تقوا. این معنا و لوازم آزادی غربی است اما آزادی‌ای که امام برای ما به ارمغان آورد آزادی‌ای است که اسلام بیان کرده و انسان در آن رشد می‌کند، این مفاهیم در دل دین بود، قبلاً وقتی اسمی از دموکراسی برده می‌شد فکر می‌کردیم دموکراسی سوغات غرب است، اما امام تثبیت کرد مفهوم دموکراسی و استقلال و حکومت در دل دین وجود دارد.

به این نکته اشاره کنم هرچند مجال نیست خیلی راجع به آن بحث کنم. امام دنبال این نبود که ظواهر دینی در جامعه رشد پیدا کند اما مردم از روح و حقیقت دین جدا بشوند، مشکل امروز جامعه‌ی ما بیشتر روی همین مسئله دور می‌زند. مردم با ظواهر دین بیشتر آشنا شده‌اند، رسانه‌های ما ظواهر دین را بیشتر ترویج می‌کنند اما از آنچه حقیقت دین است یک مقدار فاصله گرفته‌اند در حالی که عکس این مطلب مورد نظر امام بود. در همان اوایل انقلاب که مسئله جداسازی دختران و پسران در دانشگاه‌ها مطرح شده بود، می‌خواستند در هر کلاسی بین آقایان و خانم‌ها دیواری بکشند و بعد بگویند این اسلام است، امام برخورد شدیدی کردند که اسلام چنین نمی‌گوید.

مشکل امروز مدعیان اسلام در کشورهای دیگر این است که اسلام را در همین ظواهر خلاصه کرده‌اند و در این امر هم موفق بودند شما ببینید در نمازهای جمعه و جماعت و حفظ و قرائت قرآن به حسب ظاهر خیلی موفق هستند اما این ظواهر روح ندارد، چون از روح دین اطلاع ندارند.

روح دین این است که از انسان یک انسان مقاوم و متعهد، مثل شهید سلیمانی ساخته بشود، شهید سلیمانی تربیت شده فکر امام و انقلاب بود، در نزد او بین مظلومین دنیا هیچ فرقی وجود نداشت مظلوم در ایران باشد یا خارج ایران، مقاومت در برابر کفر و ظلم اینجا باشد یا بیرون ایران؟ هدف امام این بود یک طلبه درست حقیقت دین را بشناسد و آن را به مردم برساند و همه دنبال پیاده شدن اسلام باشند، جامعه اسلامی یک چنین جامعه‌ای است، این سؤال برای خیلی‌ها مطرح است که می‌گویند چرا قبل از انقلاب یک عده‌ای مقیدتر به حلال و حرام بودند اما الآن ممکن است اینطور نباشد؟ جوابش در همین است که جهت غالب تلاش ما و رسانه‌ها این بوده که مردم مقید به ظواهر شوند.

ما نباید به مردم بگوییم این ذکر را بگویید همه مشکلات‌تان حل می‌شود. یکی از کارهای بعضی از رسانه‌ها و یکی از هنرهای گویندگان آنها این است که مجری از مهمان برنامه می‌پرسد چه هدیه‌ای دارید؟ او هم یک ذکر برای مردم بیان می‌کند، این خوب است ولی حقیقت اسلام این نیست! حقیقت اسلام تلاش و فکر و تقوای باطنی است، حقیقتش مقاومت است، حقیقتش مقاومت و استقلال است، البته ظواهر هم باید در کنار این قضایا باشد بدون این ظواهر هم نمی‌توان به حقیقت رسید وظیفه ماست که مردم را هم با ظواهر و هم با حقیقت دین آشنا کنیم.

الآن چرا افرادی که می‌دانند خوردن مال حرام در شرع جایز نیست ولی باز مرتکب آن می‌شوند؟ چون اینها یک مقدار به صورت ظاهری تربیت شده‌اند، در سابق شاید می‌گفتند ما نمی‌دانیم این حرام است، یا اصل حلال و حرام را نمی‌دانستند اما الآن اطلاعات‌شان خوب است و آگاهی‌شان نسبت به ظواهر دین زیاد شده، اما با حقیقت دین آشنا نشده‌اند مشکل اصلی زمان ما همین است. ما دنبال این هستیم ببینیم کدام روحانی کدام عالم شب را تا به صبح عبادت کرده و صبح راهم روزه گرفته، در ساعات مختلف چه اذکار و اورادی می‌خواند، اما اصل دین چی؟

ما طلبه‌ها باید از امام یاد بگیریم. امامی که خودش در تمام این مسائل عرفانی و اخلاقی سرآمد بود، البته نمی‌گذاشت کسی به آن توجه پیدا کند از زندگی شخصی ایشان نقل می‌کنند چندین بار مفاتیحی که مورد استفاده قرار می‌داد در اثر استفاده زیاد پاره شده و آن را صحافی کرده بودند. امام اینطور نبود که اسلام را تنها از این زاویه معرفی کند، ما اگر اسلام را فقط از این نگاه به حوزه‌ها و مردم معرفی کنیم جفا بر اصل اسلام است.

اسلام در آیات شریفه قرآن به انسان خط مشی می‌دهد که چطور زندگی کند، راه زندگی چیست؟ آیا موضوع سبک زندگی که رهبری معظم انقلاب این همه روی آن تأکید دارند این است که به مردم ذکر یاد بدهیم؟ بگوئیم صبح این چند ذکر را بگو، ظهر این را و عصر این را بگو؟ سبک زندگی این است که چطور عاقلانه و متدینانه زندگی کنیم، چطور مستقلانه زندگی کنیم، چطور یک زندگی همراه با اطمینان و آرامش فقط با اتکال بر خدا داشته باشیم؟

امام دنبال این اهداف بود، لذا ما در سالگرد امام ضمن اینکه خدا را شکر می‌کنیم که بعد از رحلت امام این انقلاب بزرگ با رهبری‌های خردمندانه رهبری معظم انقلاب استمرار پیدا کرده و این هم از نعمت‌های بسیار بزرگ خدای تبارک و تعالی بر این انقلاب است اما متفکران و اندیشمندی که می‌خواهند حرکت این چند دهه اخیر را بررسی کنند باید اهداف امام را بیشتر کاوش کنند تا در همان مسیر این شاء الله قدم برداریم. امیدواریم که هر چه زمان می‌گذرد ما آن اهداف را بیشتر بشناسیم و موفق بشویم تا آن اهداف را در جامعه پیاده کنیم این شاء الله.

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين.